



# عملکرد خواص حزب علوی؛ پیش درآمدی بر پیروزی نبرد جمل (مطالعه موردی: واکاوی تاریخی عملکرد ام سلمه)

دریافت: ۱۴۰۱/۳/۲۵ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۰

محمد ربیعی نژاد<sup>۱</sup>، وجیهه میری<sup>۲</sup>، علی توفیق<sup>۳</sup>

## چکیده

از دواج رسول خدا ﷺ به اتکای مقام و حیانی «أمهات المؤمنین» و نزول برخی آیات سوره احزاب در شأن ایشان، از جایگاه خواص منزلی در امت اسلام برخوردار بودند؛ آن گونه که می توانستند در معادلات سیاسی نقشی فعالانه به عهده گیرند. یکی از بازه های زمانی که در آن دو تن از همسران رسول خدا، عایشه و ام سلمه، وارد کنش و واکنش های سیاسی شدند، دوران خلافت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بود. امام علی (علیه السلام) پس از تصدی خلافت، با کارشکنی گروهی به نام «ناکثین» روبه رو شد و در این کشاکش عایشه به تضعیف و ام سلمه به تقویت جبهه امام مسلمین پرداختند. بر این اساس، پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی تحلیلی در پاسخ به دو پرسش زیر سامان یافته است:

- عملکرد ام سلمه در خصوص تقویت جبهه امام، معطوف به چه اقداماتی بود؟

- با عنایت به اینکه این اقدامات پیش از جنگ جمل رخ داد، باز خورد آن بر نتیجه جنگ جمل چه بود؟

ام سلمه، در مقام یکی از نخبگان برجسته جهان اسلام، توانست با تمسک به راهبردهای متنوع، در برابر دعاوی عایشه و متحدانش، موضع گیری کند؛ آن گونه که واکنش این بانو، به عنوان پیش درآمدی بر پیروزی نبرد جمل، قابل تحلیل است. اقدامات ام سلمه سبب عدم همراهی بسیاری از مهاجران و انصار با ناکثین شد؛ ضمن آنکه به بصیرت زایی در برخی مسلمانان نسبت به حقانیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) انجامید.

**کلیدواژه ها:** ام سلمه، حزب علوی، عایشه، ناکثین، نبرد جمل.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر: daria.navard@yahoo.com

۲. محقق پسادکترای تاریخ تشیع، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول): vajih.miri@gmail.com

۳. کارشناس زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور: taghdis@mailfa.com

## ۱. مقدمه

## ۱-۱. بیان مسئله

پس از کشته شدن عثمان به دست معترضان، امام علی (علیه السلام) به اصرار مهاجرین و انصار و به واسطه تعهدی که به اقامه عدل داشت خلافت را پذیرا شد (نهج البلاغه، ۱۳۸۵: خطبه ۳) و مردم نیز در کمال آزادی و اختیار با او بیعت کردند (ابن سعد، ۱۳۷۴: ج ۳: ۳۱؛ ابن قتیبه، ۱۳۸۰: ۱۱۹؛ بلاذری، ۱۳۹۷: ج ۲: ۲۰۵ و ۲۱۰؛ دینوری، ۱۳۷۱: ۷۶؛ طبری، ۱۳۸۵، ج ۶: ۲۳۲۵ و ۲۳۲۷ و ۲۳۶۶)؛ اما قتل عثمان بهانه مطلوبی برای برخی خواص مخالف حکومت جدید فراهم کرد تا با تمسک به آن و برافراشتن پرچم خون‌خواهی خلیفه مقتول، با آفرینش دو نبرد سهمگین جمل و صفین که ظهور خوارج و جنگ نهروان از پیامدهای آن بود، برای دولت نوپای امام (علیه السلام) چالش آفرین شوند. در این بین، فتنه گروه موسوم به ناکثین به رهبری عایشه، طلحه و زبیر، سبب برپایی نبرد جمل، به‌عنوان نخستین چالش فراروی حکومت امام علی (علیه السلام) در سال ۳۶ هجری شد؛ چالشی که در آن دو تن از همسران رسول خدا (صلی الله علیه و آله) یعنی عایشه و ام سلمه نیز به ایفای نقش‌هایی متضاد در تزلزل و تثبیت جبهه امام (علیه السلام) پرداختند؛ ازواج رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با مقام وحیانی «أمهات المؤمنین» از پایگاه نخبگان منزلتی برخوردار بودند<sup>۱</sup>؛ از این رو، در پرتو پیوند با آن حضرت در امت اسلام موقعیتی حساس و تأثیرگذار داشتند؛ آن‌گونه که این تأثیرگذاری با نزول برخی آیات سوره احزاب در شأن آنان به مراتب بیشترکارگر افتاد. در این بین گرچه عایشه، در شکل‌گیری نبرد جمل نقش محوری داشت، اما شناخت مواضع ام سلمه در این رخداد می‌تواند بر زوایای آن پرتوافشانی کند و تصویر روشن‌تری از این واقعه به دست دهد.

## ۱-۲. پیشینه پژوهش

با توجه به آنچه در بیان مسئله ذکر شد و دقت نظر در مطالعات اخیر که در زمینه

۱. «موقعیت منزلتی» به وسیله ارزیابی اجتماع از افتخارات افراد به عمل می‌آید (ریترز: ۱۲۳؛ کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۷: ۳۳۶)؛ یعنی سابقه درخشان یک فرد و اعتبار پایگاه اجتماعی او در ترازوی ارزیابی مدنی سنجیده شده است و جامعه جایگاه ویژه‌ای به او می‌دهد (نیک گهر، ۱۳۸۳: ۱۴۵؛ کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۷: ۲۹۳).

شناساندن همسران رسول خدا ﷺ، زنان بزرگ در اسلام و به طور خاص با موضوع ام سلمه به رشته تحریر درآمده است، روشن می‌شود که پژوهش‌های معاصر بر آن نبودند عملکرد ایشان پیش از نبرد جمل و باز خورد اقدامات او بر نتیجه جنگ جمل را تحلیل کنند که این پژوهش قصد انجام آن را دارد؛ با وجود این، می‌توان از میان مهم‌ترین کتاب‌ها و مقالات پژوهشی معاصر به مواردی اشاره کرد:

ام سلمه همسر گرامی رسول خدا ﷺ، تألیف مرادی نسب (۱۳۸۹)؛ در این اثر به شخصیت ام سلمه، خاندان ام سلمه، هجرت به حبشه، خواستگاران ام سلمه، همراهی او با رسول خدا ﷺ در جنگ‌ها، دفاع از حریم ولایت و روایاتی که نقل کرده پرداخته شده است؛ اما متأسفانه این اثر درباره عملکرد ام سلمه در جریان نبرد جمل به صورت مختصر ورود کرده و تنها درباره احتجاج او با عایشه و اعزام فرزندش در رکاب امام علی (علیه السلام) به اجمال سخن گفته است؛ محدثات شیعه، نگاشته غروی نایینی (۱۳۷۵)؛ این کتاب، مشتمل بر یک مقدمه و اسامی محدثات شیعه و مشتمل بر شرح حال ۱۹۵ بانو است. در این تحقیق، سعی بر استفاده از منابع اهل سنت بوده است؛ متأسفانه در این اثر نیز به نقش تأثیرگذار ام سلمه در جریان نبرد جمل نگاه عمیقی صورت نگرفته و تنها در یک پاراگراف به احتجاج ام سلمه با عایشه پیش از نبرد جمل و نیز اعزام پسرش در رکاب امام (علیه السلام) اشاره شده است. ریاحین الشریعه، تألیف محلاتی (۱۳۶۹)؛ این اثر احتجاج ام سلمه با عایشه قبل از نبرد جمل را بدون ارجاع به منبع آورده است؛ در واقع، مشکل این کتاب ارجاع ندادن به منابع و غیرمستند بودن آن است. بانوان عالمه و آثار آن‌ها اثری از مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه (۱۳۷۹)؛ متأسفانه در این کتاب نیز مآخذ مطالب، به صورت جزئی و دقیق بیان نشده است؛ ضمن اینکه به صورت مختصر و تنها در یک خط به ارسال نامه از سوی ام سلمه برای عایشه در ممانعت او برای نبرد جمل اشاره شده است. در مقالاتی نیز به صورت خاص، به زندگی این بانوی بزرگ اسلام پرداخته شده است؛ مانند: ام المؤمنین ام سلمه از النواوی (۱۳۷۷ق)؛ ام سلمه از عبدالعظیم (۱۴۰۵ق)؛ ام سلمه و علوم القرآن از بوری الهندی (۱۳۵۶ق)؛ الهجرة و حکایات ام سلمه اثری از قرون (۱۴۰۲ق)؛ ام سلمه از ناجی الطنطاوی. در این مقالات به مسائلی چون هجرت، ازدواج با پیامبر، دانش

ام سلمه و نیز روایات او در اثبات حقانیت اهل بیت (علیهم‌السلام) پرداخته شده؛ اما از نقش تأثیرگذار این بانو در حکومت امام علی (علیه‌السلام) سخنی به میان نیامده است؛ در واقع، مهم‌ترین اقدام ام سلمه که حمایت او از جانشین بلافصل رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در جریان نبرد جمل بود، در این آثار مغفول مانده است. در مقاله ام سلمه از رادد در کتاب «تصویر خانواده پیامبر در دایره‌المعارف اسلام» (۱۳۸۷) نیز به شکلی مغرضانه درباره این بانوسخن آمده، ضمن اینکه کوچک‌ترین اشاره‌ای به مواضع ایشان در حکومت امام علی (علیه‌السلام) نشده است.

### ۱-۳-۳. مفاهیم

#### ۱-۳-۱. خواص

خواص یا نخبگان از گروه‌های تأثیرگذار جامعه به شمار می‌آیند. از آنجا که در این نوشتار مواضع ام سلمه به‌عنوان یکی از خواص دوران حکومت امام علی (علیه‌السلام) بازخوانی شده است، ارائه تعریفی از مفهوم این واژه ضروری می‌نماید که به گویاترین شکل در مباحث جامعه‌شناسی و تحت عنوان «نخبگان» می‌توان به آن دست یافت. بر اساس نظر «پارتو» طراح نظریه «گردش نخبگان» (آبراهام، ۱۳۸۶: ۱۰۰)، خواص دارای خصوصیات منحصربه‌فرد و قابلیت‌های عالی در زمینه کار یا برخی فعالیت‌ها هستند که به پشتوانه همین امتیازات می‌توانند بر عوام تأثیر بگذارند (روشه، ۱۳۷۹: ۱۲۲)؛ اینان اقلیتی هستند که راه خود را بر اساس بررسی، مطالعه، بینش و منافعی که برای خویش در نظر گرفته‌اند، انتخاب و در راه تحقق اهداف خود فعالیت می‌کنند (محمدی عراقی، ۱۳۷۶: ۲۲) و با توجه به ویژگی‌ها و امتیازاتی که دارند در گروه‌هایی دسته‌بندی می‌شوند: خواص با توجه به قدرت کاریزمایی (ریتزر: ۱۲۳؛ روشه، ۱۳۷۹: ۱۲۳؛ توسلی، ۱۳۸۰: ۱۶۴)، ایدئولوژیک، سمبولیک، مالکیت (روشه، ۱۳۷۹: ۱۲۳-۱۲۴) و نخبگان منزلتی، آن‌گونه که موقعیت هر یک از رهگذر «ارزش‌های» شناخته شده در جامعه، قابل بررسی است (عضدانلو، ۱۳۸۴: ۴۷۹؛ کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۷: ۹۸؛ زیباکلام، ۱۳۸۶: ۴۸)؛ ارزش‌هایی که به سبب پذیرش از سوی جامعه، ارزش‌های جمعی یا ارزش‌های

اجماعی نیز نامیده می‌شود (زیباکلام، ۱۳۸۶: ۵۷). در تعریفی دیگر نیز «موقعیت منزلتی» به وسیله ارزیابی اجتماع از افتخارات افراد به عمل می‌آید (ریترز: ۱۲۳؛ کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۷: ۳۳۶)؛ یعنی سابقه درخشان یک فرد و اعتبار پایگاه اجتماعی او در ترازوی ارزیابی مدنی سنجیده شده است و جایگاه ویژه‌ای به او می‌دهد (نیک‌گهر، ۱۳۸۳: ۱۴۵؛ کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۷: ۲۹۳).

### ۱-۳-۲. حزب علوی

در تعریف حزب آمده است: «حزب الرجل: اصحابه» و نیز در معنای آن به «طایفه» نیز اشاره شده است (رازی، ۱۳۶۱: ۹۲). تحقیقات نشان می‌دهد که در زمان رسول خدا ﷺ دو حزب مشخص وجود داشت: یکی حزب قریش که بنی‌هاشم را پیش از اسلام از خود رانده بودند و دیگری حزب علوی که متشکل از هاشمیان و هواداران مهاجر و انصار بودند (الدوری، ۲۰۰۷: ۴۸). حزب علوی اصطلاح «الشیعه» را به خود گرفت و اعضای آن «شیعه علی» یا «الشیعه» نام گرفتند (نجفی زنجانی: ۳۸) که البته اکثر ایشان به معنای متشیع بودند و در مقام مقایسه میان خلفا، اعتبار و اعتنای بیشتری به امام علی (علیه السلام) می‌نهادند، در حالی که شیعیان اعتقادی خلافت شیخین را انکار کرده و امامت امام علی (علیه السلام) را به عنوان امری منصوص از طرف خداوند باور داشتند؛ چهره‌هایی چون عمار، ابوذر، مالک و مقداد در زمره شیعیان اعتقادی بودند (جعفریان، ۱۳۸۷: ۲۲). ام سلمه نیز بنا بر مستندات در زمره خواص اعتقادی حزب علوی قرار دارد که واکنش ایشان در برابر مواضع ناکثین توانست در ریزش جبهه آن‌ها و رویش نیروهای جبهه امیرالمؤمنین (علیه السلام) مؤثر واقع شود.

### ۲. یافته‌های تحقیق

#### ۲-۱. تبیین علل موقعیت نخبگانی ام سلمه

هند دختر ابی امیه بن مغیره بن عبدالله بن عمر بن مخزوم، مشهور به ام سلمه

است (بلاذری، ۱۹۵۹، ج ۱: ۴۲۹؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ ق، ج ۴: ۱۹۲۰؛ ابن حجر، ۱۴۱۵ ق، ج ۸: ۳۴۲؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹ ق، ج ۶: ۲۸۹). ایشان را «رمله» نیز نامیده‌اند، اما بیشتر روایات بر نام هند متفق هستند (ابن حجر، ۱۴۱۵ ق، ج ۸: ۳۴۲؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱: ۱۹۰). به منظور آگاهی از میزان تأثیرگذاری این بانو بر جامعه و قدرت جهت‌دهی او به مسلمانان، در مقام یکی از نخبگان اجتماعی، بایسته است عواملی که سبب ایجاد موقعیتی ممتاز برای ایشان بود از جوانب گوناگون بیان شود:

۱-۲. نائل شدن به مقام ام المؤمنین: همسران رسول الله ﷺ که می‌توان آن‌ها را در گروه نخبگان (خواص) منزلتی جای داد، در پرتو پیوند با آن حضرت از موقعیت ممتازی به حیث تأثیرگذاری بر جامعه اسلامی بهره‌مند بودند؛ این تأثیرگذاری با آیاتی که در سوره مبارکه احزاب درباره آن‌ها نازل شد، عمق بیشتری یافت. ایشان، طبق آیات الهی مفتخر به مقام ام المؤمنین شدند (احزاب، ۶) و با عنوان «یا نساء النبی» مورد خطاب خاص خداوند قرار گرفتند (احزاب، ۳۰). نشانه تأثیر عملکرد این بانوان بر رفتار جامعه، تأکیدی است که در قرآن کریم درباره مسئولیت بیشتر ایشان به عنوان همسران رسول الله ﷺ، در قبال اعمالشان شده است (احزاب، ۳۰-۳۱)؛ از این رو، می‌توان گفت غرض خداوند در تأکید بر قرار گرفتن ایشان در بیوت خود (احزاب، ۳۳) با عنایت به شأن و منزلت و حیانی آنان در امت اسلام، لزوم سوء استفاده نکردن از مقام خود و پرهیز دادن ایشان از ورود به بازی‌های قدرت بوده است.

ام سلمه پس از شهادت ابا سلمه، به درخواست ازدواج ابابکر و عمر بن خطاب پاسخ منفی داد و چون با پیشنهاد پیامبر ﷺ مواجه شد، پذیرفت و به عقد آن حضرت درآمد (ذهبی، ۱۴۳۱ ق: ۱۵۱؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ ق، ج ۵: ۳۲۰) و از پرتو این پیوند، به مقام «ام المؤمنین» نائل شد؛ مقامی که جایگاه برجسته‌ای را در جهان اسلام به صاحب خود می‌بخشید. ام سلمه یکی از پنج زنی بود که پیامبر از میان قریش برای خود برگزید (ابن حبیب، ۱۳۸۴: ۹۸) و او را با صدق ده درهم به عقد خویش درآورد (ابونعیم، ۱۴۱۰ ق، ج ۲: ۳۱۰).

۲-۱-۲. عضویت در خاندانی برجسته: ام سلمه از طایفه بنی مخزوم قریش بود؛ طایفه‌ای مهم و تأثیرگذار در تاریخ صدر اسلام که در آستانه ظهور اسلام نیز از قدرت خوبی بهره داشتند؛ به گونه‌ای که یکی از درهای مسجد الحرام به نام ایشان بود (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۱۶۳)؛ قبیله‌ای که در کنار بنی هاشم، بنی امیه و بنی زهره به‌عنوان مهم‌ترین قبایل قریش در آستانه ظهور اسلام محسوب می‌شد (بلعمی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۲۷). چهره‌های شناخته‌شده‌ای از این طایفه برخاستند؛ مانند یکی از همسران عبدالمطلب که برای او عبدالله و ابوطالب را به دنیا آورد (بلعمی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۰۰۹) و نیز خالد بن ولید که به سیف الاسلام شهرت یافت (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۵۸۶). پدر ام سلمه از اجواد قریش به شمار می‌رفت (ابن اثیر: همان؛ ابن حجر، ۱۴۱۵ق، ج ۸: ۳۴۲)؛ و مادر این بانو، طبق نقلی عاتکه، دختر عبدالمطلب بود و بر این اساس، ام سلمه دختر عمه رسول خدا ﷺ محسوب می‌شد (ذهبی، ۱۴۳۱ق: ۱۵۱؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۵۸۶؛ خرگوشی، ۱۳۶۱: ۲۰۴) و طبق نقل دیگر نیز، عاتکه دختر عامر بین ربیعه بن مالک بود (ابن حبیب، ۱۳۸۴: ۸۳؛ ابن حجر، ۱۴۱۵ق، ج ۸: ۳۴۲).

۳-۱-۲. شرکت در هجرت: همسر اول ام سلمه، اباسلمه بن عبد الاسد نیز از بنی مخزوم بود. این زوج، جزو نخستین گروهی بودند که پیش از جعفر بن ابی طالب، در قالب دسته‌ای کوچک به سرپرستی عثمان بن مظعون به دستور پیامبر ﷺ به حبشه هجرت کردند (ابن هشام، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۲۱۴) و بر این اساس، این بانورا اولین زنی دانسته‌اند که در راه اسلام مهاجرت کرد (اسکافی، ۱۴۰۲ق: ۲۷؛ ابن سید الناس، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۲۰۰) ضمن اینکه در هر دو هجرت به حبشه حضور داشت (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۱۸۱؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۳۷۶). نام ایشان در زمره مهاجرین به مدینه نیز ضبط است (ابن حبیب، ۱۳۸۴: ۸۴؛ ابن حجر، ۱۴۱۵ق، ج ۸: ۳۴۲).

۴-۱-۲. محبوبیت نزد رسول خدا ﷺ: ام سلمه از فاضل‌ترین و محبوب‌ترین زنان پیامبر نزد آن حضرت بود (ذهبی، ۱۴۳۱ق، ج ۵: ۲۸۵؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ۱۹۰) و این مسئله با توجه به پذیرش تدبیر وی از سوی پیامبر در جریان سفر حدیبیه بیشتر قابل درک است (طبری، ۱۳۸۵، ج ۳: ۲۳). او محرم اسرار و حافظ امانات رسول خدا ﷺ

بود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۲: ۲۲۳) و تنها همسر آن حضرت که توسط ایشان از واقعه عاشورا آگاه شد (ابن عدیم: ج ۶: ۲۵۹۷-۲۵۹۸؛ ابن حمزه، ۱۳۷۱: ۳۳۰).

۱-۲-۵. منزل ام سلمه، از اماکن نزول وحی: این بانو مفتخر به نزول آیه تطهیر در منزل خود بود و راوی برجسته حدیث کساء به‌شمار می‌رود (ابن عدیم، ج ۶: ۲۵۸۰؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰: ۲۷۷؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳: ۲۰۳)؛ این مسئله یعنی محل سکونت ام سلمه از اماکن نزول وحی بود و این مسئله از عوامل افزایش مقبولیت ایشان نزد عام و خاص محسوب می‌شد. جایگاه ممتاز ام سلمه را از زبان عایشه، زمانی که قصد داشت او را در سفر بصره با خود و متحدانش همراه سازد به‌خوبی می‌توان درک کرد: «ای دخت ابی امیه! تو بزرگ‌ترین ام المؤمنین بودی، پیامبر ﷺ در خانه تو سکونت می‌گزید، در خانه تو میان ما قسمت می‌کرد و وحی در خانه تو بر او فرود می‌آمد» (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۴۰۷؛ مفید، ۱۳۸۸: ۱۵۲).

۱-۲-۶. ارشدیت همسران رسول خدا ﷺ هنگامه نبرد جمل: مقام ارشدیت ام سلمه نسبت به دیگر زنان پیامبر ﷺ در آن مقطع زمانی، چهره تأثیرگذاری از وی در اذهان سایر خواص و به‌خصوص توده بر جای می‌نهاد. در این بین، قدرت اجتماعی و سیاسی ام سلمه را می‌توان از مسئله‌ای دیگر نیز استنباط کرد و آن اینکه طبق نقلی از عایشه، همسران رسول خدا ﷺ در دو حزب قرار داشتند؛ حزبی که در آن عایشه، حفصه، سوده و صفیه بودند و حزبی که شامل ام سلمه و دیگر همسران آن حضرت می‌شد (ذهبی، ۱۴۳۱ق: ۱۴۰). با توجه به این مسئله که این بانو در مقام ام المؤمنین قرار داشتند، نمی‌توان دسته‌بندی فوق را یک دسته‌بندی ساده میان گروهی از زنان قلمداد کرد؛ بلکه ایشان به‌عنوان خواص جامعه اسلام، از قدرت نفوذ خوبی بر توده مسلمین بهره می‌بردند و دسته‌بندی فوق می‌توانست به دسته‌بندی در توده نیز منجر شود و موضع‌گیری هر یک از ایشان در معادلات سیاسی و اجتماعی اثرگذار باشد؛ به‌خصوص عایشه و ام سلمه که در رأس هر یک از این دو حزب قرار داشتند.

پیش از پرداختن به عملکرد ام سلمه در جهت تقویت جبهه امام علی (ع) در تقابل با

ناکثین، ضرورت دارد به اختصار، شخصیتی که به‌عنوان ام المؤمنین، در ردیف یکسان با ام سلمه واقع بود و نقش بی‌بدیلی در جبهه‌ی مقابل ایفا کرد، معرفی شود. هدف این است تا مشخص شود عملکرد خواص وقتی در جایگاه یکسان، اما با عملکرد متضاد است تا چه اندازه می‌تواند به تقویت یا تضعیف جبهه‌ی حق منجر شود.

## ۲-۲. عایشه و اقدامات او در تقابل با حکومت امام علی (علیه السلام)

عایشه دختر ابوبکر بن عثمان بن عامر بود. مادر او ام رومان نام داشت که دختر عامر بن عویمر بود و نسبش به بنی کنانه میرسید (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ق، ج ۴: ۱۸۸۰؛ ابن حزم، ۱۳۵۱ق: ۱۸۸؛ ابو حاتم، ۱۴۰۸ق: ۲۰۱). احادیث متعددی در فضیلت او از زبان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده است که راوی عمده این احادیث خود عایشه است (ابونعیم، ۱۴۱۰ق، ج ۵: ۱۵۰-۱۵۳؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۱۶-۲۱)، پس میباید نسبت به صحت و سقم این احادیث با احتیاط نظر داد.

در کنار امتیاز خاص «ام المؤمنین»، عایشه ویژگی بارز دیگری نیز داشت؛ او فرزند ابوبکر، نخستین خلیفه در جهان اسلام بود؛ عایشه در زمان خلافت ابوبکر و عمر بن خطاب که از سوی ابوبکر به خلافت منصوب شد، موقعیت ممتازی کسب کرد و به‌عنوان «محبوب رسول الله (صلی الله علیه و آله)» معرفی و دست و زبان او در بیان حدیث، احکام و حتی رد بر حدیث و فتاوی دیگران باز گذاشته شد (عسکری، ۱۳۸۷، ج ۲: ۴۴۷؛ بهبودی، ۱۳۶۸: ۱۰۶)؛ ضمن اینکه جایگاه اقتصادی او نیز به‌شدت تقویت شد (ابن شاذان، ۱۳۵۱: ۲۵۳؛ بلاذری، ۱۳۴۶: ۳۴۹ و ۳۵۶ و ۳۵۷).

پس از کشته شدن خلیفه سوم، عایشه حاضر به پذیرش حکومت امام علی (علیه السلام) نشد و پرچم مخالفت علیه آن حضرت را برافراشت. مهم‌ترین اقدامات او در مخالفت با حکومت امام (علیه السلام) را می‌توان این‌گونه تفکیک کرد:

۱. ادعای عایشه مبنی بر قتل مظلومانۀ عثمان و برافراشتن پرچم خون‌خواهی او (ابن قتیبه،

- ۱۳۸۰ق: ۹۸؛ مفید، ۱۳۶۷: ۱۳۵؛ طبری، ۱۳۸۵، ج ۶: ۲۳۵۶؛ نویری، ۱۳۶۴، ج ۵: ۱۱۵).
۲. رد صحت خلافت امام علیه السلام و فراخوانی مردم به بیعت شکنی (بلاذری، ۱۳۹۷، ج ۲: ۲۲۴؛ ابن قتیبه، ۱۳۸۰: ۹۹؛ مفید، ۱۳۶۷: ۱۷۰).
۳. ادعای صحت نداشتن بیعت صورت گرفته با امام و لزوم واگذاری مسئله خلافت به شورا (بلاذری، ۱۳۹۷ق، ج ۲: ۲۲۵؛ مفید، همان).
۴. متهم کردن امام علیه السلام به مشارکت در قتل عثمان (مفید، ۱۳۶۷: ۱۲۶، ۱۳۶).
۵. جسارت بخشیدن به مخالفان امام علیه السلام برای اظهار مخالفت با حکومت آن حضرت (ابن قتیبه، ۱۴۰۴ق: ۲۰۸؛ مفید، ۱۳۶۷: ۷۵؛ طبری، ۱۳۸۵، ج ۶: ۲۳۵۹؛ سبط ابن جوزی، ۱۴۱۸ق: ۶۷؛ ابن اثیر، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۷۶۱؛ ابن کثیر، ۱۳۵۱، ج ۷: ۲۳۰).
۶. بر عهده گرفتن رهبری قیام ناکثین (طبری، ۱۳۸۵، ج ۶: ۲۳۵۹؛ دینوری، ۱۳۷۱: ۱۸۰؛ مفید، همان: ۱۳۵، ۱۴۰؛ ابن اثیر، همان، ج ۴: ۱۷۶۲؛ نویری، ۱۳۶۴، ج ۵: ۱۱۷؛ مفید، ۱۳۶۷: ۱۳۵).
۷. ایفای نقش در سقوط بصره پیش از نبرد جمل (طبری، ۱۳۸۵، ج ۶: ۲۳۸۰؛ ابن عبد البر، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۳۶۶؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۷ق، ج ۹: ۳۲۰؛ ابن اثیر، ۱۳۷۴، ج ۳: ۲۱۵؛ بلاذری، ۱۳۹۷، ج ۲: ۲۳۷؛ مفید، ۱۳۶۷: ۱۷۳؛ خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵ق: ۱۰۹).
۸. ایجاد ترس در مردم از حکومت امام علیه السلام با این ادعا که آن حضرت به جان و ناموس آن‌ها رحم نخواهد کرد (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۷ق، ج ۹: ۳۱۵).
۹. اتحاد مخفیانه با سران قبایل بصره علیه حکومت امام علیه السلام (بلاذری، ۱۳۹۷ق، ج ۲: ۲۳۷؛ ابن حزم، ۱۳۹۱ق: ۱۷۴ و ۳۳۲ و ۳۷۸ و ۳۸۴؛ ابن خلدون، همان، ج ۱: ۵۹۶؛ نویری، ۱۳۶۴، ج ۵: ۱۴۳؛ دینوری، ۱۳۷۱: ۱۸۱؛ مفید، ج ۱: ۲۵۱؛ ابن درید، ۱۴۱۱ق: ۳۳۰).
۱۰. ارسال نامه به شهرهای مختلف برای شورانندن آن‌ها علیه حکومت امام علیه السلام (مفید، ۱۳۶۷: ۱۸۰، ۲۵۷؛ طبری، ۱۳۸۵، ج ۶: ۲۳۹۲؛ ابوحنیفه، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۳۷۹؛ ابن کثیر، ۱۳۵۱، ج ۷: ۲۳۳).
۱۱. تلاش در رساندن طلحه یا زبیر به حکومت (مفید، ۱۳۶۷: ۹۵ و ۱۸۱؛ بلاذری، ۱۳۹۷ق، ج ۲: ۲۶۵؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۷۵، ج ۱: ۳۰۲؛ عبدالمقصود، ۱۳۵۴، ج ۳: ۳۷).

۱۲. بر عهده گرفتن رهبری در نبرد جمل علیه حکومت امام علیه السلام (دینوری، ۱۳۷۱: ۱۸۴، ۱۸۶؛ بلاذری، ۱۳۹۷ق، ج ۲: ۲۴۲؛ یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۸۰؛ ابن درید، ۱۴۱۱ق: ۱۹۲؛ ابن شهر آشوب، ج ۳: ۱۵۹، ۱۶۱؛ ابن کثیر، ۱۳۵۱، ج ۷: ۲۴۲؛ ابن ابی الحدید، همان، ج ۱: ۱۳۱، ۱۳۴).

اقدامات عایشه و متحدان او نخستین جنگ داخلی مسلمانان را رقم زد؛ نبردی که پیامدهای ناخوشانیدی در حکومت امام علیه السلام بر جای نهاد و به توقف برنامه‌های امام علیه السلام برای مقابله با معاویه به دلیل لزوم مقابله با ناکثین (سید رضی، ۱۳۸۵: خطبه ۵۴: ۷۵؛ ابن قتیبه، ۱۳۸۰: ۸۳؛ طبری، ۱۳۸۵، ج ۶: ۲۳۵۰-۲۳۹۶؛ ابن اثیر، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۷۵۵-۱۷۵۷؛ ابن کثیر، ۱۳۵۱، ج ۷: ۲۳۳)؛ متهم شدن آن حضرت به قتال با اهل قبله (سید رضی، ۱۳۸۵: خ ۱۷۳: ۲۳۳؛ طوسی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۷۱؛ طبری، همان، ج ۶: ۲۴۱۹؛ ابن خلدون، ۱۳۶۲، ج ۱: ۶۰۴؛ طبرسی، ج ۲: ۱۰۷؛ نعمان مغربی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۳۹۹)؛ کشته شدن بیش از ۳۰ هزار مسلمان در نبرد جمل (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۸۱؛ مفید، ۱۳۶۷: ۲۴۲، ۲۵۱؛ طبری، همان، ج ۶: ۲۴۷۱؛ اربلی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۳۲۹؛ بلاذری، ۱۳۹۷ق، ج ۲: ۳۲۷؛ خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵ق: ۱۱۳-۱۱۴؛ نویری، ۱۳۶۴، ج ۵: ۱۵۰)؛ افزایش دشمنی‌ها نسبت به امام علیه السلام (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۴۳۹؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۵: ۹۳؛ طبری، ۱۳۸۵، ج ۶: ۲۴۷۹؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۲۷). افزایش دشمنی میان دو استان استراتژیک کوفه و بصره (ابن مسکویه، ۱۳۶۹، ج ۱: ۴۷۲؛ ابن قتیبه، ۱۳۸۰: ۱۰۸) و زمینه‌سازی وقوع دو نبرد صفین و نهروان (ابن مزاحم، ۱۳۶۶: ۵۷۰؛ بلاذری، ۱۳۹۷، ج ۲: ۳۲۷؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۳۹؛ ثقفی، ۱۳۵۶: ۱۹۱ و ۱۶۷؛ عسکری، ۱۳۶۰، ج ۲: ۲۳۳) منجر شد.

### ۲-۳. عملکرد ام سلمه در تقابل با ناکثین پیش از نبرد جمل

ام سلمه پیش از وقوع رویداد جمل، اقداماتی انجام داد که ضمن محکوم کردن ناکثین، سبب کاهش نفرات ایشان در مقابله با امام علیه السلام شد. عملکرد ایشان را می‌توان این‌گونه تفکیک کرد:

### ۲-۳-۱. تمسک به راهبرد احتجاج با تکیه بر قرآن و حقایق تاریخی

احتجاج در لغت به معنای اقامه حجّت بر مدّعاست (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۲۲۶؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۱۰). در این عنوان، استدلال‌هایی که جنبهٔ مناظره دارد و هر کدام از دو طرف در صدد اثبات ادّعی خود با دلیل و حجّت و غلبه بر دیگری است آورده می‌شود. با استناد به گزاره‌های موجود در مصادر، نخستین اقدام ام سلمه برای پیشگیری از رویارویی ناکثین با امام علی (علیه السلام)، تمسک به راهبرد «احتجاج» بود.

### ۲-۳-۱-۱. احتجاج علیه عایشه

به دنبال تمرد عایشه از پذیرش خلافت امام و ادّعی خون‌خواهی عثمان در مکه (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۷۷؛ طبری، ۱۳۸۵، ج ۶: ۲۳۵۴؛ مفید، همان: ۹۵؛ ابن العبری، ۱۳۶۴: ۱۶۵؛ ابن اثیر، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۷۶۰)؛ ام سلمه با ردّ دعاوی او و متحدانش، ضمن دفاع از مواضع امام، حاضر به پذیرش دعوت ایشان نشد. طبق نقلی، عایشه با توجه به موقعیت ام سلمه، از طلحه و زبیر خواست به منظور همراهی و اتحاد مردم، با او وارد مذاکره شوند؛ اما به صلاحدید آن دو، خود به گفت‌وگو با این بانو پرداخت (طبرسی، ج ۲: ۸۹؛ حر عاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۳۵۶). در دیدار روی داده، عایشه ادعا کرد که طی خبری از کشته شدن عثمان به‌رغم توبه‌ای که کرده بود، اطلاع یافته و از طریق عبدالله بن عامر والی خلیفه مقتول در بصره (که از سوی امام عزل گشت و عثمان بن حنیف به جایش منصوب شد) بر این مسئله که مردم این شهر به خون‌خواهی عثمان برخاسته‌اند آگاه شده است؛ بر این اساس، خواهان پیوستن ام سلمه به قیام شد (اسکافی، ۱۴۰۲ق: ۲۷؛ ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۴۰۷؛ مفید، ۱۳۸۸: ۱۵۲). ام سلمه ضمن عدم پذیرش درخواست عایشه، با استناد به قرآن و رویدادهای تاریخی، کذب دعاوی عایشه را اثبات کرد:

### الف. بی‌توجهی عایشه به فرمان خداوند

آنچه در احتجاجات ثبت‌شده میان ام سلمه با عایشه مشهود است، تمسک این بانو به آیات نازل‌شده درباره همسران رسول خدا ﷺ و نیز تأکید آن حضرت در پایبندی همسران خود به این آیات است. ام سلمه در پاسخ به دعاوی عایشه، او را یکی از همسران پیامبر ﷺ، از پایبند نبودن به فرمان قرآن، مبنی بر لزوم آرام گرفتن زنان آن حضرت در خانه و دور ماندن از آشوب، حضور در میان مردان نامحرم و عمل بر پایه تمایلات نفسانی پرهیز داد (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۷۸؛ نعمان مغربی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۳۸۰). تلاش ام سلمه در جلوگیری از بروز فتنه به گفت‌وگو خاتمه نیافت و به دنبال آگاهی از نیت عایشه و یارانش برای حرکت به سمت بصره با ارسال مکتوبی، او را در مقام همسر رسول خدا ﷺ از شکستن حجابی که خداوند برایش مقدر کرده بود و از زیر پا نهادن میثاق الهی بر حذر داشت، اما عایشه با ارسال نامه‌ای به صراحت از قاطعیت خود در قیام سخن به میان آورد (ابن قتیبه، ۱۴۱۰ق: ۷۶؛ طبرسی، ج ۲: ۹۹).

سخنان ام سلمه بیانگر نقش نخبگانی همسران رسول خدا ﷺ در جامعه اسلام است؛ در تفسیر آیات ۳۰ تا ۳۳ سوره مبارکه احزاب آمده است که همسران رسول الله ﷺ به سبب حضور در خانه وحی، مرکز نبوت و تماس دایم با آن حضرت، نسبت به عموم مردم از آگاهی بیشتری بهره‌مند بودند؛ بر این اساس، گناه آن‌ها نیز عظیم محسوب می‌شد؛ چراکه ثواب و عذاب بر طبق معرفت و میزان آگاهی و نیز تاثیرگذاری فرد در جامعه داده می‌شود؛ ضمن اینکه اعمال خلاف ایشان از یکسو پیامبر ﷺ را آزرده خاطر می‌ساخت و از سوی دیگر به حیثیت آن حضرت لطمه وارد می‌کرد؛ اینکه خداوند در پایان آیه سوره احزاب فرموده است «این کار بر خدا آسان است» اشاره به این دارد که پیوند همسران رسول الله ﷺ با آن حضرت در صورت ارتکاب جرم، مانع از عذاب ایشان نمی‌شد (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۶: ۴۵۹-۴۶۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۲۸۳) در تفسیر اینکه چرا عذاب و پاداش آن‌ها مضاعف حساب می‌شود نیز بایسته است به دلیل دو بُعدی بودن وجود ایشان اشاره شود؛ بُعدی تعلق به خودشان دارد و بُعدی تعلق به جامعه؛ برنامه زندگی آن‌ها می‌تواند جمعی راه‌دایت یا عده‌ای را گمراه کند و لذا اعمال آن‌ها دو اثر دارد. یک اثر فردی و دیگر

اثر اجتماعی و هر بُعد دارای پاداش و کیفری است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۲۸۴).

### ب. یادآوری نقش عایشه در قتل عثمان

به دنبال تمرد عایشه از پذیرش خلافت امام و ادعای خون‌خواهی عثمان در مکه (بعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۷۷؛ طبری، ۱۳۸۵، ج ۶: ۲۳۵۴؛ مفید، ۱۳۶۷: ۹۵؛ ابن العبری، ۱۳۶۴: ۱۶۵؛ ابن اثیر، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۷۶۰)، ام سلمه به رد دعاوی عایشه درباره خون‌خواهی عثمان پرداخت و به این مهم اشاره کرد که سخت‌گیرترین مردم بر خلیفه مقتول عایشه بوده است؛ به حدی که اگر از او جرعه‌ای آب می‌طلبید، دریغ می‌کرد (مفید، ۱۳۶۷: ۱۴۴). این سخن ام سلمه ریشه در حقایق تاریخی دارد. بر اساس مستندات، درگیری بین عایشه و عثمان بسیار عمیق‌تر از آن چیزی بود که پس از کشته‌شدن عثمان توسط عایشه مطرح شد و آن را محدود به موارد جزئی دانست (خلیفه، ۱۴۱۵ق: ۱۰۴). منابع تاریخی، ریشه اختلاف بین این دورا مربوط به کسر درآمد عایشه توسط عثمان نسبت به دوران ابابکر و عمر دانسته‌اند و لذا به دنبال برپایی صدای اعتراضات علیه عثمان از فرصت استفاده کرد و با معترضان هم‌صدا شد (ابن شاذان، ۱۳۵۱: ۲۵۸؛ مفید، ۱۳۶۷: ۲۹۱؛ مفید، ۱۳۶۴: ۱۳۸؛ ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۳۷۴؛ ابن اثیر، ۱۳۷۴، ج ۳: ۲۰۶). پیش از قتل عثمان، عایشه او را به دست بردن در بیت‌المال و اختصاص آن به خویشاوندانش و نیز واگذاری امور حکومتی به ایشان متهم می‌کرد و معتقد بود عثمان می‌باید مانند شتری کشته شود (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۳۷۵). عایشه بود که در تحریض مردم به قتل عثمان فرمان می‌داد که «بکشید این پیر گفتار را که هنوز پیراهن مصطفی صلی الله علیه و آله کهنه نشده، سنت او را کهنه گردانید» (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۳۷۵؛ اصفهانی، ج ۵: ۳۷۵؛ اسکافی، ۱۴۰۲ق: ۲۱). تیرگی روابط بین این دو به آنجا کشید که عثمان ضمن تشبیه عایشه به همسران لوط و نوح (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۳۷۵) او را تهدید به آتش زدن خانه‌اش کرد و عقلش را به سبب زن بودن به سخره می‌گرفت. در مقابل، عایشه نیز او را «فرعون امت» نامید (مفید، ۱۳۶۷: ۸۵). نقش عایشه در کشته شدن عثمان به حدی آشکار بود که از سوی مروان بن حکم به اینکه اساس فتنه را نهاد متهم شد (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۳۷۶؛ مفید، ۱۳۶۷: ۷۶) و حتی سعد بن ابی

وقاص پس از نبرد (ابن شبهه، ۱۴۱۰ ق، ج ۴: ۱۱۷۳) و محمد بن طلحه پیش از آن (ابن درید، ۱۴۱۱ ق: ۱۴۵).

### ج. تأکید بر صحت بیعت روی داده با امام علی (علیه السلام)

یکی از اتهاماتی که عایشه درباره حکومت امام علی (علیه السلام) طرح می‌کرد، صحت نداشتن بیعت صورت گرفته با آن حضرت بود. بر این اساس بود که ام سلمه در اثبات صحت حکومت امام (علیه السلام) با رد ادعای عایشه مبنی بر صحت نداشتن بیعت صورت گرفته با آن حضرت، بیعت روی داده را مطلوب نظر جمیع مهاجر و انصار دانست (اسکافی، ۱۴۰۲ ق: ۲۱؛ ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۴۰۸) و امام را سزاوارترین شخص برای تصدی منصب خلافت معرفی کرد (مفید: ۱۳۶۷: ۷۶).

بر اساس مصادر نیز بیعت با امام آزادانه، بدون اکراه و در کمال اطاعت انجام گرفت (اسکافی، ۱۴۰۲ ق: ۴۹؛ ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۳۹۱؛ طبری، ۱۳۸۵، ج ۶: ۲۳۲۵ و ۲۳۶۶؛ مسعودی، ۱۳۴۳: ۲۶۶؛ مفید، ج ۱: ۲۳۸؛ طبرسی، ج ۲: ۱۷؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ ق، ج ۳: ۱۳۰؛ نوبختی، ۱۳۵۳: ۹؛ ابن العبری، ۱۳۶۴: ۱۶۵). تمام کسانی که در مدینه حضور داشتند، از اصحاب رسول (صلی الله علیه و آله) و غیر ایشان با امام بیعت کردند (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۳: ۳۱). گزارش‌ها از «اجماع اصحاب رسول (صلی الله علیه و آله)» (اسکافی، ۱۴۰۲ ق: ۴۹؛ نوبختی، ۱۳۵۳: ۹؛ ابو الفداء، ج ۱: ۱۷۰)، «اجماع امت» (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۳۳۰) و «اجماع قوم» (رازی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۲۰۱) در بیعت با امام حکایت کرده‌اند. امام در نامه به معاویه نیز بیعت با خود را شامل عام و خاص دانست و اینکه شورای مؤمنین متشکل از سابقون، مهاجرون الاولون و اهل بدر آن را تایید کرده بودند (ابن شهر آشوب، ج ۳: ۱۶۷).

### د. یادآوری پیش‌بینی‌های رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از فتنه‌انگیزی یکی از همسران آن حضرت

مطلب دیگری که ام سلمه در احتجاج خود با عایشه بر آن تأکید کرد، یادآوری پیش‌بینی‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله) از برپایی نبرد، توسط یکی از زنان خویش بود (مفید، ۱۳۸۸: ۱۳۸۸).

۱۵۲؛ ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۴۰۹؛ اسکافی، ۱۴۰۲ ق: ۲۹-۲۷؛ طبرسی، ج ۲: ۹۴؛ حرعاملی، ۱۴۲۵ ق، ج ۱: ۳۵۶، ۴۱۵). به‌عنوان نمونه، ام سلمه به پیش‌بینی پیامبر ﷺ درباره بانگ سگ‌های منطقه حوآب بر یکی از زنان آن حضرت، به سبب قصدش در فتنه‌انگیزی اشاره کرد. واقعه‌ای که در زمان حرکت عایشه به سمت بصره به وقوع پیوست اما به آن بی‌توجه بود (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۷۸؛ مفید، ج ۱: ۲۴۱؛ طبری، ج ۲: ۱۶۳؛ مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۷۱۴؛ سبط ابن جوزی، ۱۴۱۸ ق: ۶۸).

### ۲-۳-۱-۲. احتجاج علیه طلحه و زبیر

به غیر از احتجاج ام سلمه و عایشه، پیغامی نیز توسط طلحه و زبیر، در آستانه خروج ایشان از مکه به سمت بصره، برای ام سلمه ارسال و به خروج علیه امام (علیه السلام) فراهانده شد (مفید، ۱۳۶۷: ۱۴۰-۱۴۱؛ خوارزمی، ۱۴۱۱ ق: ۱۷۸؛ سبط ابن جوزی، ۱۴۱۸ ق: ۶۳)؛ این دعوت‌نامه حاکی از نقش مؤثر این بانو در پیشبرد اهداف قیام است. بر اساس این مکتوب، طلحه و زبیر ضمن بیان قصد عایشه در خون‌خواهی عثمان و خروج از مکه، او را نیز به همراهی دعوت کردند تا به استدلال ایشان، خداوند توسط همسران رسولش، شکاف روی داده بین امت را اصلاح کند، اما این بانو با ارسال نامه‌ای درخواست ایشان را به رد کرد.

نکات برجسته نامه ام سلمه به این شرح است:

- تاکید بر این مسئله که وظیفه ام سلمه و عایشه، طبق فرمان الهی، نه بر پایی قیام، بلکه ماندن در خانه و آرام گرفتن بود.

- ادعای خون‌خواهی عثمان را مختص اولیای خون او دانست، در حالی که طلحه و زبیر نه در مقام گذشتن از خون ریخته شده و عفو قاتلانش بودند و نه مجاز به قصاص ایشان.

- از نظر ام سلمه، امام که در راه اعتلای اسلام متحمل تلاش‌ها و رنج‌های متعدد شده بود، سزاوارترین فرد برای حکومت محسوب می‌شد و لذا قیام در مقابل او را به هیچ روی

جایز نمی‌دانست.

- طلحه و زبیر را به بی‌انصافی نسبت به رسول خدا ﷺ متهم کرد؛ چراکه ضمن نگاهداشت همسران خود در خانه، به منظور رسیدن به مطامع خویش، خواهان خروج همسران آن حضرت در عزیمت به سمت عراق بودند (مفید، ۱۳۶۷: ۱۴۰-۱۴۱).

### ۲-۳-۲. ارسال نامه برای مهاجرین و انصار مدینه

عملکرد ام سلمه در جلوگیری از شعله کشیدن آتش فتنه به موضع‌گیری این بانو در مقابل سران قیام بسنده نشد. به دنبال بی‌اعتنایی سران ناکثین به سخنان ام سلمه، این بانو نامه‌ای برای مهاجرین و انصار ساکن مدینه ارسال کرد. متن این مکتوب به این شرح است:

«لقد عثمان بحضرتکم و کانا هذان الرجلان یعنی طلحه و الزبیر یسعیان علیه کما رأیتم فلما قضی الله أمره بایعاً علیاً و قد خرجا الان زعماً أن یطلباً بدم عثمان و یریدان أن یخرجا حبیبه رسول الله ﷺ و قد عهد إلی جمیع نسائه عهداً واحداً أن یقرن فی بیوتهن فأن کان عائشه عهد سوی ذلک تظهره و تخرجه إلینا. نعرفه لا و الله ما بایعتم أیها القوم و غیرکم علیاً مخافه و لا بایعتموه إلا علی علم منک بأنه خیر هذه الأمه و أحقهم بهذا الامر قدیما و حدیثا و الله ما أستطیع أزعم أن رسول الله ﷺ خلف یوم قبض خیرا منه و لا أحق بهذا الامر منه. فاتَّقوا الله عباد الله فإننا نأمرکم بتقوی الله و الاعتصام بحبله و الله ولینا ولیکم» (مفید، ۱۳۶۷: ۲۳۷).

نامه‌ی ارسالی ام سلمه به مهاجرین و انصار مدینه حاوی نکات مهمی است:

### ۲-۳-۲-۱. وقوع قتل عثمان، در حضور مهاجرین و انصار مدینه

ام سلمه در نامه خود نکته‌ای را به صحابه یادآوری نمود که مجال ادعای خودنخواهی عثمان را از ایشان می‌گرفت. او بر این مسئله که خلیفه مقتول در حضور ایشان کشته

شده بود تأکید کرد؛ مسئله‌ای که در تاریخ ثبت شده است. به نقل مصاد، صحابه، چه آنان که دلسوزانه خواهان اصلاح شرایط بودند و چه آنان که انگیزه‌های مادی در سر می‌پروراندند، به مرور دست از یاری عثمان برداشتند (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۳: ۶۱؛ طبری، ۱۳۸۵، ج ۶: ۲۲۱۲)، به گونه‌ای که با وجود حضور هزاران تن از ایشان در مدینه، نقشی در ممانعت از قتل او ایفا نکردند و حتی صدها تن از آنان نیز به نوعی در قتلش مشارکت نمودند (ابن شبه، ۱۴۱۰ ق، ج ۴: ۱۷۵) تا جایی که بنا بر روایتی، معترضان، از طریق خانه‌های برخی از صحابه، وارد خانه خلیفه شدند و او را کشتند (همان). پیش از این نیز، در سال ۵۳۴ ه. ق، صحابه بودند که نامه‌ای تنظیم و طبق آن، مردم نواحی گوناگون را به جهاد علیه عثمان دعوت کردند (طبری، ۱۳۸۵، ج ۶: ۲۲۱۲؛ ابن ابی الحدید، همان، ج ۱: ۳۹۶).

### ۲-۲-۳-۲. پرده برداشتن از مشارکت طلحه و زبیر در قتل عثمان

در نامه مذکور، ام سلمه به این مهم که طلحه و زبیر به‌رغم ادعای خوان‌خواهی عثمان، در قتل او سهیم بودند، اشاره کرده و بر این نکته که مشارکت این دو در قتل عثمان در حضور مهاجرین و انصار ساکن مدینه روی داده، تأکید کرده است.

نظر ام سلمه همان حقیقتی است که تاریخ بر آن صحه نهاده است؛ طبق مصاد، طلحه و زبیر از مسببان اصلی قتل عثمان بودند؛ به گونه‌ای که به نظر ابن طباطبا، گواه این مسئله تأکید همه تواریخ بر آن است (ابن طباطبا، ۱۳۶۰: ۱۱۶). طلحه بود که سرپرستی محاصره‌کنندگان خانه عثمان را داشت و مانع ورود و خروج افراد به خانه او شد (طبری، ۱۳۸۵، ج ۶: ۲۲۶۷؛ مفید، ۱۳۶۷: ۸۱؛ مفید، ج ۱: ۳۸)، با این استدلال که عثمان سنت رسول خدا ﷺ را تغییر داده بود (ابن قتیبه، ۱۳۸۰: ۶۳). او و زبیر بن عوام ورود آب و خوراک را نیز به خانه خلیفه ممنوع کردند (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۹۴؛ مفید، ۱۳۶۷: ۸۱، ۸۴؛ ابن قتیبه، ۱۳۸۰: ۶۴؛ مسکویه، ۱۳۶۹، ج ۱: ۴۱۴؛ مفید، ۱۳۸۸: ۸۳؛ طوسی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۷۵۳). طلحه اولین کسی بود که به سمت خانه عثمان تیر

انداخت (مفید، ۱۳۸۸: ۸۴) و دستور آتش زدن در خانه خلیفه را به‌رغم مخالفت‌های امام، صادر کرد (مفید، ۱۳۸۸: ۲۶۰). حتی عثمان نیز معتقد بود طلحه، مردم را علیه وی شورانده بود (طبری، ۱۳۸۵، ج ۶: ۲۲۶۷؛ قزوینی رازی، ۱۳۸۵: ۳۶۲؛ ابن ابی الحدید، همان، ج ۱: ۲۹۴؛ ابن قتیبه، همان: ۵۸؛ ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۳۷۸؛ ابن ابی الحدید، همان، ج ۱: ۲۸۷). محمد فرزند بزرگ طلحه نیز بر این مسئله که پدرش از عوامل اصلی قتل عثمان بود اعتراف داشت (طبری، ۱۳۸۵، ج ۶: ۲۳۷۷).

### ۳-۲-۳-۲. انذار مهاجرین و انصار مدینه درباره تلاش طلحه و زبیر در بازیچه قراردادن همسران رسول خدا ﷺ

نکته دیگری که ام سلمه در نامه خود یادآوری کرد، لزوم توجه مهاجرین و انصار به مسئله لزوم پایبندی همسران رسول خدا ﷺ به فرمان خداوند مبنی بر ماندن در خانه و دور ماندن از آشوب، پرهیز از حضور در میان مردان نامحرم و عمل بر پایه تمایلات نفسانی بود (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۷۸؛ نعمان مغربی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۳۸۰). بیان این مسئله می‌توانست سبب بیداری مهاجرین و انصار مدینه شود و ایشان را به وظیفه خود در حراست از همسران رسول خدا ﷺ آگاه کند؛ ضمن اینکه ایشان را نسبت به قبح اقدام عایشه هوشیار کند.

### ۳-۲-۳-۲. تأکید ام سلمه بر بیعت آزادانه و آگاهانه مهاجرین و انصار با امام علی علیه السلام

یکی از مسائلی که سران جبهه ناکثین به‌عنوان دستاویز علیه حکومت امام علی علیه السلام طرح می‌کردند، مسئله بیعت اجباری مردم با آن حضرت بود. ام سلمه به مهاجرین و انصار تأکید کرد که بیعت ایشان با امام آزادانه و آگاهانه صورت گرفته است تا نتوانند ادعای بیعت اجباری با امام را طرح کنند و با پیمان شکنی ناکثین همراه شوند. طبق مصادر نیز امام برای پذیرش خلافت با اصرار مهاجر و انصار مواجه بود (ابن قتیبه، ۱۳۸۰: ۱۱۹؛ ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۳۸۹؛ طبری، ۱۳۸۵، ج ۶: ۲۳۲۷؛ اسکافی، ۱۴۰۲ق: ۴۹؛ ابن عبدربه، ۱۳۸۱، ج ۴:

۲۹۱: ابن العبری، ۱۳۶۴: ۱۶۵) که این مسئله مورد اتفاق تمام اخبار و اصحاب مقالات از اهل تاریخ است (ابن صباغ، ۱۴۰۹ق: ۶۰). به عقیده مهاجر و انصار، آن حضرت تنها فرد شایسته برای احراز مقام خلافت بود و لذا، خواهان اذن برای بیعت شدند (ابن اعثم، همان: ۳۸۹؛ طبری، همان، ج ۶: ۲۳۲۷؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۵: ۶۴). اصرار و تمایل آنها به حدی بود که به دنبال کشته شدن عثمان و پیش از پذیرش خلافت از سوی امام، آن حضرت را «امیر المومنین علی» خطاب کرده، برای بیعت وارد خانه‌اش شدند (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۶۱۰).

طبق گزارش شیخ مفید، نامه‌ای که ام سلمه برای مهاجرین و انصار ساکن مدینه ارسال کرد، تأثیرگذار بود؛ چراکه کار را برای طلحه و زبیر دشوار کرد (مفید، ۱۳۶۷: ۱۴۳-۱۴۴) باعث روگردانی بسیاری از مهاجرین و انصار مدینه از ناکثین شد: «قال فتقاعد کثیر عن طلحه و الزبیر عند سماع هذا الخبر و القول من أم سلمه» (مفید، ۱۳۸۸: ۲۳۸).

### ۲-۳-۳. بصیرت‌زایی در مردم

تلاش به منظور افزایش بصیرت ساکنان مکه از حقیقت حوادث، عمل دیگری بود که توسط ام سلمه صورت گرفت. بر اساس نقل بلاذری، اقدامات ایشان در این زمینه را می‌توان در چند محور تفکیک کرد:

- امر مردم به داشتن تقوای الهی

- لزوم متابعت آن‌ها از امام، با توجه به بیعت روی داده با آن حضرت.

- دفاع از حقانیت آن حضرت و معرفی ایشان به‌عنوان برترین مردم در زمانه خودش که مستحق رضایت همگانی بود (بلاذری، ۱۳۹۷، ج ۲: ۲۲۴).

به دستور ام سلمه، منادی با ندا دادن در بین مردم، ضمن پرهیز ایشان از حرکت برای نبرد با امام (علیه السلام)، محارب با آن حضرت را کافر و عصیانگر معرفی می‌کرد (طبری، ج ۲: ۱۶۶). این بانو ضمن فراخواندن مردم به متابعت از امام علی (علیه السلام) می‌گفت: «از علی پیروی کنید،

به خدا سوگند! در روزگار شما بهتر از او را سراغ ندارم» (بلاذری، ۱۳۹۷ق، ج ۲: ۲۲۴).

موضع‌گیری ام سلمه به‌عنوان بزرگ‌ترین همسر پیامبر، بر توده مردم تأثیرگذار بود. می‌توان گفت که اقدامات و مواضع ایشان یکی از دلایل عمده در مشارکت نکردن گسترده مکیان در حمایت از سران شورش و حرکت با آنان بود؛ چراکه به‌رغم همه تلاش ناکشین در تحریک و تطمیع، سرانجام تعداد محدودی از مردم این شهر، با عایشه و متحدانش به سمت بصره راهی شدند (بلاذری، ۱۳۹۷ق، ج ۲: ۲۲۲؛ سبط ابن جوزی، ۱۴۱۸ق: ۶۷؛ ابن اثیر، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۷۶۲).

### ۲-۳-۴. ارسال نامه به امیر المؤمنین (علیه السلام)

اقدام دیگری که ام سلمه بدان مبادرت کرد، نگارش نامه‌ای برای امام به دنبال خروج شورشیان از مکه به سمت بصره بود که در آن ضمن آگاه کردن امام از ایجاد آشوب، حمایت کامل خود را از آن حضرت اعلام کرد. این مکتوب در منابع متعددی وجود دارد (بلاذری، ۱۹۵۹، ج ۱: ۴۳۰؛ طبری، ۱۳۸۵، ج ۶: ۲۳۵۸؛ اسکافی، ۱۴۰۲ق: ۳۰؛ سبط ابن جوزی، ۱۴۱۸ق: ۶۷) که به دلیل شیوایی کلام ابن اعثم روایت او از این نامه آورده شده است:

«اما بعد، بدانند امیر المؤمنین علی (علیه السلام) که طلحه و زبیر و عایشه در مکه جمعیتی ساخته‌اند و رأی زده‌اند که طلب خون عثمان کنند و در صحبت و موافقت عبد الله بن عامر به جانب بصره روان شدند. خدای تعالی کار ایشان از تو کفایت کند و اگر نه آنستی که خدای تعالی، زنان را نهی فرمود از آنکه از خانه بیرون آیند و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در این معنا مبالغت‌ها فرموده، من که ام سلمه ام، بیرون می‌آمدم و در موافقت لشکر تو بر آن سمت که حرکت کرده‌اند، می‌رفتم، اما عذر ظاهر است که در خلاف امر خدا و اشارت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) نتوانم کرد...» (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۴۰۹).

سخنان ام سلمه در این نامه از چند منظر قابل توجه است:

- آگاه کردن امام (علیه السلام) از طرح ناکشین می‌توانست به برنامه‌ریزی سریع‌تر آن حضرت در

مقابله با ایشان منجر شود.

- ادب این بانو در سخن گفتن با امام و مخاطب قرار دادن ایشان با عنوان «امیرالمؤمنین» تاکید مجددی بود بر مسئله بیعت و تأیید صحت آن که به نوعی دعوی معترضان بر عدم صحت بیعت را رد می‌کرد.

- ام سلمه با اشاره به فرمان خداوند به زنان رسول خدا ﷺ، مبنی بر ماندن در خانه و تاکید پیامبر بر این قضیه، ضمن اینکه تنها دلیل همراهی نکردن خویش با امام را مقید ماندن به کتاب و سنت بیان کرد، عمل عایشه را در نقض آنچه بدان امر شده بود محکوم کرد.

### ۲-۳-۵. اعزام فرزند برای پیوستن به سپاه امیرالمؤمنین (علیه السلام)

اقدام دیگری که ام سلمه در حمایت از امیرالمؤمنین (علیه السلام) انجام داد، اعزام فرزند خود برای پیوستن به سپاه امام (علیه السلام) بود. این عمل، تأیید مجددی بود که این بانو در بیان حقانیت امام (علیه السلام) و آشکار ساختن بطلان جبهه مخالف ایشان انجام داد. در بخشی از نامه ام سلمه به امام چنین آمده است: «عمر بن ابی سلمه که فرزند من است و حضرت رسول ﷺ او را دوست داشت، به خدمت تو فرستاده‌ام تا در خدمت تو به هر کاری که اشارت فرمایی قیام نماید» (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۴۰۹).

- این اقدام، نقش مؤثری در تقویت جبهه امام داشت؛ چراکه حضور این فرد در جمع یاران آن حضرت دلیلی بود بر تأیید و حمایت مواضع ایشان به دست یکی از برجسته‌ترین زنان پیامبر ﷺ که در مقام ارشدیت آن‌ها نیز قرار داشت. با توجه به نقل بلاذری که سن عمر بن ابی سلمه را در زمان رحلت رسول خدا ۹ سال دانسته است (بلاذری، ۱۹۵۹، ج ۱: ۴۳۰) در مقطع زمانی چالش جمل، او جوانی رشید و ۲۵ ساله بوده است. اینکه ام سلمه، بنا بر روایت طبری و سبط ابن جوزی فرزند خود را عزیزتر از جان دانسته (طبری، ۱۳۸۵، ج ۶: ۲۳۵۸؛ سبط ابن جوزی، ۱۴۱۸ ق: ۶۷) یا طبق روایت اسکافی او را گوش و چشم خود، ربیب رسول خدا ﷺ و پسر برادر علی (علیه السلام) معرفی کرده است (اسکافی، ۱۴۰۲ ق:

۳۰)، ضمن اینکه حاکی از نقش کاملاً حمایتگر این بانو از امام و گذشتن از فرزندى عزیز در راه تقویت و ثبات جبهه و مواضع آن حضرت است، تاکید دیگری بر فضایل امام با یادآوری برخی موارد چون عقد اخوت ایشان با پیامبر ﷺ است. فضایی که بسیاری از آن‌ها طی سال‌های پس از رحلت رسول خدا ﷺ به فراموشی سپرده شده بود. در خور ذکر است که ام سلمه از راویان حدیث پیامبر ﷺ درباره ظهور ناکثین، قاسطین و مارقین در مقابله با امام بود که با بیان جزئیات امر ایشان و با تکیه بر سخنان رسول خدا ﷺ سعی در اثبات حقانیت آن حضرت در مقابل دشمنانش داشت (ابن بابویه، ج ۱: ۳۸۰؛ طبرسی، ج ۲: ۱۹۹).

تأثیر حضور ام سلمه در تقویت هر یک از دو جبهه نبرد را می‌توان از سخن عبد الله بن عباس دریافت که پیش از آغاز نبرد جمل و در جلسه رایزنی امام با خواص یارانش پیرامون این جنگ، پیشنهاد نگارش نامه‌ای توسط آن حضرت برای این بانورا مطرح کرد. ابن عباس معتقد بود که پیوستن ام سلمه به جبهه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، تقویت مواضع و افزایش نیرو را در پی خواهد داشت، اما امام ضمن شایسته ندانستن خروج این بانو، اعلام فرمود اقدامی مشابه طلحه و زبیر در خارج کردن عایشه، نسبت به ام سلمه انجام نخواهد داد (مفید، ۱۳۶۷: ۱۴۵). امام به خوبی بر این مسئله واقف بود که در صورت حضور ام سلمه در جبهه مقابل عایشه، از یک سو توان نظامی اش با گرایش بیشتر مردم به سبب احترام به حرمت ام المؤمنین افزوده می‌شد و از سوی دیگر می‌توانست عاملی در تضعیف جبهه ربه‌رو و ایجاد تزلزل در پیروان آن‌ها باشد؛ اما پاسخ آن حضرت به ابن عباس ضمن حکایت از پابندی به فرامین کتاب و سنت نبوی، بازگویی از جحیت حفاظت از حریم ناموس رسول اکرم ﷺ توسط آن حضرت بود؛ یعنی همان چیزی که طلحه و زبیر به منظور رسیدن به مطامع خویش به آن پایبند نماندند.

### ۳. نتیجه‌گیری

امام علی (علیه السلام) در آغازین مراحل تحکیم حاکمیت خود با فتنه گروهی موسوم به ناکثین مواجه شد که به بهانه خون‌خواهی عثمان، نخستین چالش جدی را فراروی او پدید

آوردند؛ چالشی که در آن دو تن از همسران رسول خدا ﷺ عایشه و ام سلمه با بهره بردن از موقعیت نخبگانی خود مشارکت داشتند.

ام سلمه و عایشه، صرف نظر از موقعیت و ویژگی‌های متفاوت اجتماعی، در مقام ام المؤمنین، از موقعیت یکسانی برخوردار بودند. نکته اینجاست که هر یک از این دو با تکیه بر این جایگاه مشترک، نقش‌های متضادی در حکومت امام علی (علیه السلام) ایفا کردند و به‌عنوان خواص جامعه اسلام در حرکت بخشی به عوام مؤثر واقع شدند؛ از یک‌سو ام سلمه به تقویت مواضع امام (علیه السلام) نائل شد و از سوی دیگر، عایشه به تضعیف حکومت آن حضرت همت نهاد. ابزار مهمی که عایشه و متحدانش از آن بهره بردند، شبهه‌افکنی و فریب بود؛ ایشان با تمسک به جایگاه ممتاز و تأکیدهای مکرری که بر مقام «ام المؤمنین» عایشه داشتند، توانستند به تحریف حقایق در ماجرای قتل خلیفه سوم و مسئله بیعت عمومی با امام (علیه السلام)، نائل شوند؛ تحریکات و تحریفات این گروه سبب شد مسلمانان که در زمان رسول خدا ﷺ در نبرد با مشرکین و کفار صف‌آرایی می‌کردند، به صف‌آرایی مقابل یکدیگر اقدام کردند و نخستین نبرد داخلی در جهان اسلام را شکل دادند.

اگرچه عایشه، در شکل‌گیری نبرد جمل نقش محوری داشت؛ اما ام سلمه قاطعانه به حمایت از حکومت علوی برخاست و با ملتزم دانستن خود و دیگر همسران رسول خدا ﷺ به فرامین الهی و سنت نبوی و با تمسک به راهکارهای متفاوت سعی کرد از برپایی نبرد و شعله کشیدن آتش فتنه ممانعت به عمل آورد. ضمن اینکه به کاستن از قوای جبهه ناکثین همت نهاد و در این زمینه به موفقیت‌هایی نائل شد. آنچه بیش از همه در عملکرد ام سلمه در تقابل با سران جبهه ناکثین قابل تأمل است، تأکید این بانو بر فرامین صادر شده از سوی خداوند درباره همسران رسول خدا ﷺ و نیز بازگویی حقایق روی داده، به منظور اثبات حقانیت امام علی (علیه السلام) در حکومت بود. احتجاجات متعدد ام سلمه با عایشه، طلحه و زبیر، نامه ارسالی او به مهاجرین و انصار مدینه و بصیرت‌زایی در مردم مکه نسبت به جایگاه امیر المؤمنین (علیه السلام) که در تمام موارد تکیه بر آیات قرآن و حقایق غیر قابل انکاری مانند صحت بیعت روی داده با امام علی (علیه السلام)، وقوع قتل عثمان در حضور مهاجرین و انصار مدینه و سهمیم بودن سران جبهه ناکثین در قتل خلیفه داشت، از چنان حجیتی برخوردار

(محمد ربیعی نژاد، و جبهه میری، علی توفیق)

بود که به بیداری وجدان‌های آگاه انجامید؛ ضمن اینکه از سوی ناکتین نیز هیچ گزارشی مبنی بر محکوم کردن سخنان ام سلمه ثبت نشده است؛ چراکه به حقیقت سخنان او واقف بودند. اگرچه ام سلمه در نبرد جمل حضور نداشت اما اقدامات او به‌عنوان یکی از نخبگان جامعه اسلام و حزب علوی، توانست به ریزش نفرات در جبهه ناکتین منجر شود.

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه. (۱۳۸۵). ترجمه محمد دشتی. قم: الهادی.
- آبراهام. جی. ایچ. (۱۳۸۶). گذار جامعه شناسی در گذار تاریخ. ترجمه عباس محمدی اصل. رشت: حق شناس.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله. (۱۳۷۵). جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: نشر نی.
- (۱۴۰۷ق). شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید. تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم. بیروت: دارالجمیل.
- ابن اثیر، عزالدین. (۱۳۷۴). الکامل. ترجمه سید حسین روحانی. تهران: اساطیر.
- (۱۴۰۹ق). اسد الغابة فی معرفة الصحابة. بیروت: دارالفکر.
- ابن اعثم کوفی. (۱۳۷۲). الفتوح. ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی. تحقیق غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: اسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی بن بابویه. (بی تا). خصال. ترجمه مدرس گیلانی. تهران: جاویدان.
- ابن جوزی، عبد الرحمان. (۱۴۱۲ق). المنتظم فی تاریخ الملوک والامم. تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن حبیب، محمد. (۱۳۸۴). المنمق فی اخبار قریش. تحقیق احمد فاروق. هند: وزارت المعارف للحکومة العایة الهندیة، السلسله الجدیدة من مطبوعات دائرة المعارف العثمانیه.
- ابن حجر عسقلانی، احمد. (۱۴۱۵ق). الاصابه فی تمییز الصحابه. تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن حزم، ابو محمد علی بن احمد اندلسی. (۱۳۹۱). جمهرة انساب العرب. تحقیق و تعلیق عبد السلام محمد هارون. مصر: دار المعارف.
- ابن حمزه، محمد بن علی. (۱۳۷۱). الثاقب فی المناقب. تحقیق نبیل رضا علوان. قم: انصاریان.
- ابن درید، ابو بکر محمد بن حسن. (۱۴۱۱ق). الاشتقاق. تحقیق و شرح عبدالسلام محمد هارون. بیروت: دارالجمیل.
- ابن سعد، محمد. (۱۴۱۰ق). طبقات الکبری. تحقیق محمد عبدالقدر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- (۱۳۷۴). طبقات الکبری. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
- ابن سید الناس، ابو الفتح. (۱۴۱۴). عیون الاثر فی فنون المغازی والسیر. بیروت: دارالقلم.
- ابن شاذان، فضل بن شاذان. (۱۳۵۱). الايضاح. تصحیح جلال الدین محدث. تهران: دانشگاه تهران.
- ابن شبه نمیری، عمر بن شبه. (۱۴۱۰ق). تاریخ المدینة المنورة. تصحیح فهیم محمد. بیروت: دارالفکر.
- ابن شهر آشوب، ابو جعفر. (بی تا). مناقب آل ابی طالب. بیروت: دارالاضواء.
- ابن صباغ مالکی. (۱۴۰۹ق). الفصول المهمه فی معرفة الاحوال الائمة. بیروت: دارالاضواء.
- ابن طباطبا، محمد بن علی. (۱۳۶۰). تاریخ فخری. ترجمه محمد وحید گلپایگانی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن عبدالبر، ابو عمر. (۱۴۱۲ق). الاستیعاب فی معرفة الاصحاب. تحقیق علی محمد البجاوی. بیروت: دارالجمیل.

(محمد ربیعی نژاد، و جیهه میری، علی توفیق)

- ابن عبدربه، ابو عمر احمد بن محمد. (۱۳۸۱). *العقد الفريد*. شرح و تصحيح احمد امين و احمد الزين و ابراهيم الايبارى. قاهره: مكتبة النهضة المصرية.
- ابن العبري، ابو الفرج. (۱۳۶۴). *تاريخ مختصر الدول*. ترجمه محمد علي تاج پور و حشمت الله رياضي. تهران: اطلاعات.
- ابن عديم، عمر. (بی تا). *بغية الطلب في تاريخ الحلب*. به تحقيق سهيل زكار. بيروت: دار الفكر.
- ابن عساکر، علی. (۱۴۱۵ق). *تاريخ مدينة دمشق*. تصحيح علی شيرى. بيروت: دار الفكر.
- ابن قتيبه، عبدالله بن مسلم. (۱۴۱۰ق). *الامامه والسياسه*. بيروت: دارالاضواء.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۴ق). *المعارف*. تحقيق ثروت عكاشه. قاهره: دار المعارف.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰). *امامت و سياست*. ترجمه سيد ناصر طباطبايي. تهران: ققنوس.
- ابن كثير، اسماعيل. (۱۳۵۱ق). *البدايه والنهايه*. قاهره: السعادة. السلفيه. الخانجي.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۷ق). *البدايه والنهايه*. بيروت: دار الفكر.
- ابن مزاحم منقري، نصر. (۱۳۶۶). *بيكار صفيين*. تصحيح و شرح عبد السلام محمد هارون. ترجمه پرويز اتابكي. تهران: اسلامي.
- ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بيروت: دار صادر.
- ابن هشام، عبدالملك. (۱۴۱۲ق). *سيرة النبويه*. تصحيح سهيل زكار. بيروت: دار الفكر.
- ابو حاتم، محمد بن حبان بن ستي. (۱۴۰۸ق). *تاريخ الصحابة*. تحقيق بوران الصناوي. بيروت: دار الكتب العلمية.
- ابو نعيم، احمد. (۱۴۱۰ق). *تاريخ اصبهان*. به تحقيق حسن سيد كسروي. بيروت: دار الكتب العلمية.
- اربلي، ابي الحسن. (۱۳۶۴). *كشف الغمه في معرفة الائمة*. تصحيح سيد ابراهيم ميانجي. قم: ادب حوزه و كتابفروشي اسلاميه.
- اسكافي، ابي جعفر. (۱۴۰۲ق). *المعيار والموازنة في فضائل الامام امير المؤمنين علي بن ابي طالب*. تحقيق محمد باقر محمودي. بي جا: فؤاد بعينو للتجليد.
- انعام، صادق عبدالعظيم. (۱۴۰۵ق). «ام سلمه رضي الله عنها». *الوعى الاسلامي*. سال ۲۱. شماره ۲۵۲. صص: ۹۶-۱۰۰.
- بلاذري، احمد. (۱۹۵۹). *انساب الاشراف*. تحقيق محمد حميد الله. مصر: دارالمعارف.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۷). *انساب الاشراف*. تحقيق محمد باقر محمودي. بيروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۴۶). *فتوح البلدان*. ترجمه آذرتاش آذر نوش. تهران: انتشارات فرهنگ ايران.
- بلعمي، محمد. (۱۳۷۲). *تاريخنامه طبري*. تهران: البرز.
- بوري الهندي، مجتبي حسن كامور. (۱۳۵۶ق). «ام سلمه و علوم القرآن». *العرفان*. جلد ۲۷. جزء ۷. صص: ۶۱۰-۶۱۳.
- بهبودي، محمد باقر. (۱۳۶۸). *سيره علوي*. تهران: م. ب. بهبودي.
- ثقفی، ابو اسحاق. (۱۳۵۶). *الغارات*. ترجمه محمد باقر كمره ای. تهران: فرهنگ اسلامي.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۷). *تاريخ تشيع در ايران*. تهران: علم.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۲۵ق). *اثبات الهداه بالانصوص والمعجزات*. تصحيح علاء الدين اعلمی. بيروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- خرگوشي، ابوسعید. (۱۳۶۱). *شرف النبی*. تحقيق محمد روشن. تهران: بابک.
- خطيب بغدادی، احمد. (۱۴۱۷ق). *تاريخ بغداد*. بيروت: دارالكتب.
- خلیفه بن خیاط، ابو عمرو. (۱۴۱۵ق). *تاريخ خلیفه*. تحقيق فواز. بيروت: دارالكتب العلمية.

(محمد ربیعی نژاد، وجیهه میری، علی توفیق)

- خوارزمی، موفق. (۱۴۱۱ق). المناقب. تحقیق مالک محمودی. قم: نشر اسلامی.
- الدوری، عبدالعزیز. (۲۰۰۷). مقدمه فی تاریخ صدر الاسلام. بیروت: مرکز دراسات الوحده العربیه.
- دینوری، ابو حنیفه. (۱۳۷۱). اخبار الطوال. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: نشر نی.
- ذهبی، شمس الدین محمد. (۱۴۱۳ق). تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر و الاعلام. تحقیق عمر عبدالسلام تدمری. بیروت: دارالکتب العرب.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۳۱ق). تهذیب سیر اعلام النبلاء. رجب محمود ابراهیم بختی. بی‌جا: مکتبه جزیره‌الورد.
- رادد، روود. (۱۳۸۷). «ام سلمه هند». تصویر خاندان پیامبر ﷺ در دایره المعارف اسلام (ترجمه و نقد). زیر نظر محمود تقی زاده داوری. قم: انتشارات شیعه شناسی. صص: ۱۸۷-۱۸۸.
- رازی، جمال الدین مرتضی محمد بن حسین. (۱۳۶۱). نزهة الکرام و بستان العوام. به اهتمام و تصحیح محمد ششپروانی. بی‌جا: چاپخانه میهن.
- روشه، گی. (۱۳۷۹). تغییرات اجتماعی. ترجمه منصور وثوقی. تهران: نشر نی.
- ریتز، جورج. (بی‌تا). نظریه‌های جامعه شناسی. ترجمه احمد رضا غروی زاد. تهران: جهاد دانشگاهی.
- زیبا کلام، صادق. (۱۳۸۶). جامعه شناسی به زبان ساده. تهران: روزنه.
- سبط ابن جوزی. (۱۴۱۸ق). تذکرة الخواص. قم: الشریف الرضی.
- صالحی شامی، محمد. (۱۴۱۴ق). سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد. تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۷۱). المیزان. قم: اسماعیلیان.
- طبرسی، احمد. (بی‌تا). احتجاج. مقدمه و ترجمه حسن مصطفوی. بی‌جا: انتشارات کتابخانه سنائی.
- طبری، حسن. (بی‌تا). کامل بهایی. بی‌جا: مکتبه مصطفوی.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۸۵). تاریخ طبری. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸). تاریخنامه طبری. گردانیده منسوب به بلعمی. تحقیق محمد روشن. تهران: سروش.
- الطنطاوی، ناجی. (۱۳۵۵ق). «ام سلمه». الرسالة. شماره ۱۴۶. صص: ۶۴۳-۶۴۶.
- عبدالمقصود، عبدالفتاح. (۱۳۵۴). الامام علی ابن ابیطالب (تاریخ تحلیلی نیم قرن اول اسلام). ترجمه سید محمد مهدی جعفری. تهران: چاپخانه رشدییه.
- عسکری، سید مرتضی. (۱۳۶۰). نقش عایشه در تاریخ اسلام (دوران عثمان و امیر المؤمنین). ترجمه محمد صادق نجمی و هاشم هریسی. تهران: نشر کوکب.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). نقش ائمه در احیای دین. قم: انتشارات دانشکده اصول الدین.
- عضدانلو، حمید. (۱۳۸۴). آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه شناسی. تهران: نی.
- غروی نائینی، نهله. (۱۳۷۵). محادثات شیعه. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). العین. تحقیق ابراهیم سامرائی. قم: موسسه دارالهجره.
- قرون، السید حسن. (۱۴۰۲ق). «الهجره و حکایات ام سلمه». الازهر. سال ۵۴. جزء ۱. صص: ۱۱۳-۱۲۱.
- قزوینی رازی، عبد الجلیل. (۱۳۵۸). النقص. تصحیح میر جلال الدین محدث. تهران: انجمن آثار ملی.

(محمد ربیعی نژاد، وجیهه میری، علی توفیق)

- کوز، لویس ای و برنارد روزنبرگ. (۱۳۸۷). نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی. ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران: نی.
- محلاتی، ذبیح‌الله. (۱۳۶۹). ریاحین الشریعه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محمدی عراقی، محمود. (۱۳۷۶). «بررسی نقش خواص در تحولات جامعه اسلامی». مصباح. شماره ۲۳. صص: ۱۹-۳۰.
- مرادی نسب، حسین. (۱۳۸۹). ام سلمه. همسر گرامی رسول خدا ﷺ. تهران: مشعر.
- مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواران. (۱۳۷۹). بانوان شیعه و آثار آن‌ها. قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواران.
- مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۷۴). مروج الذهب و معادن الجواهر. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: علمی و فرهنگی.
- ..... (۱۳۴۳). اثبات الوصیة لعلی بن ابی طالب. ترجمه محمد جواد نخعی. تهران: نشر اسلامی.
- مسکویه، ابوعلی. (۱۳۶۹). تجارب الامم. ترجمه ابوالقاسم امامی. تهران: سروش.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۳۶۷). نبرد جمل. ترجمه و تحشیه محمود مهدوی دامغانی. تهران: نی.
- ..... (بی تا). الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. ترجمه و شرح هاشم رسولی محلاتی. تهران: انتشارات علمیه اسلامی.
- ..... (۱۳۸۸). الاختصاص. ترجمه و تحقیق حسین صابری. تهران: علمی و فرهنگی.
- ..... (۱۳۶۴). امالی. ترجمه ولی حسین. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نجفی زنجانی، حافظ. (بی تا). شخصیت و امامت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در اشعار اهل سنت قرن اول هجری. تهران: حوزه نمایندگی ولی فقیه.
- نعمان مغربی، قاضی ابی حنیفه. (۱۴۰۹ق). شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار. تحقیق سید محمد حسین جلالی. قم: اسلامی.
- النواوی، محمود. (۱۳۷۷ق). «ام المؤمنین ام سلمه». الازهر. جلد ۲۹. شماره ۲. صص: ۱۶۹-۱۷۵.
- نویری، شهاب‌الدین. (۱۳۶۴). نه‌ایة الارب فی فنون الادب. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: امیر کبیر.
- نیک‌گهر، عبدالحسین. (۱۳۸۳). مبانی جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات توتیا.
- یعقوبی، احمد. (۱۳۷۱). تاریخ یعقوبی. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. تهران: علمی و فرهنگی.